

Insights and Attitudes of Clerics and Historians in Contemporary Iranian Historiography (After the Islamic Revolution of 1979)

Zienab Ahmadvand*

Reza Bigdelou**

Abstract

The Shia clergy as one of the most important political and intellectual currents in the political and cultural structure of Iran emerged in a specific way from the Safavid era. In the period after the Islamic Revolution of 1979, clerics were present in the form of an influential movement in all political, social and cultural fields. In addition, in theoretical areas, including in the field of historiography, they were also brought up as an active spectrum in the formation of the Islamic historiography current, the basis and intellectual basis of this current, an understanding of the teachings of Islam, the Shia religion and the Islamic government was formed.

The purpose of this research is to investigate the insight and attitude of Shia clerics in the formation and continuation of Islamic historiography after the Islamic revolution, especially that some clerics appeared as writers and researchers in the field of history after the victory of the revolution and began to compile and write books. They made history. The hypothesis of this research is that, influenced by the Islamic Revolution, a new range of clerical historians started compiling and producing historiographical sources with the support of the government of the Islamic Republic in the form of official historiography.

* Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University
(Corresponding Author), ahmadvand915@yahoo.com

** Professor Adjoint de Groupe Social Department of Security and Socil Research, bigdelor@gmail.com

Date received: 2023/03/23, Date of acceptance: 2023/06/13



The method and approach of this research is descriptive-analytical based on documentary and library sources. Also, the findings of this research show that compared to the vast volume of historiographical sources after the revolution in the country, the production and writing of historical works by clerics occupies an acceptable range and leads to the development and sometimes the form The flow of Islamic.

Keywords: Clerics, Islamic Movement, Historiography, Islamic Revolution, Shiism.

بینش و نگرش روحانیون مورخ در تاریخ‌نگاری معاصر ایرانی (بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش)

زینب احمدوند*

رضا بیگدلو**

چکیده

روحانیت تشیع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قشرها و گروه‌های سیاسی و فکری در ساختار سیاسی و فرهنگی کشور ایران به‌شکل مشخص از دوران صفویه مطرح گردید. در دوره بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش، روحانیون در قالب یک جریان تأثیرگذار در تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی، از جمله در عرصه تاریخ‌نگاری، به‌عنوان یک طیف فعال در شکل‌گیری جریان تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، مطرح گردیدند و برخی از روحانیون بعد از پیروزی انقلاب به‌عنوان نگارندگان و محققان در عرصه تاریخ‌نگاری حضور یافتند و آثار متعددی را در این حوزه به نگارش درآوردند.

هدف این پژوهش بررسی دانش تاریخ‌نگاری روحانیون شیعه در شکل‌گیری و تداوم جریان تاریخ‌نگاری بعد از انقلاب اسلامی است و پرسش اصلی آن بدین شکل مطرح می‌شود که مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری روحانی - مورخان بعد از انقلاب اسلامی چیست. فرضیه پژوهش این است که متأثر از انقلاب اسلامی، طیفی جدیدی از مورخان روحانی با پشتوانه حاکمیت جمهوری اسلامی در قالب تاریخ‌نگاری رسمی، دست به تدوین و تولید متون تاریخ‌نگارانه زدند.

* استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)،

ahmadvand915@yahoo.com

** گروه اجتماعی، پژوهشکده امنیتی اجتماعی، پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی، تهران، ایران،

bigdelor@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳



روش و رویکرد این پژوهش به شکل توصیفی - تحلیلی با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد به نسبت حجم گسترده منابع تاریخ‌نگاری بعد از انقلاب در داخل کشور، تولید و نگارش آثار تاریخی از جانب روحانیون، گستره قابل قبولی را به خود اختصاص می‌دهد و خود به توسعه و بعضاً شکل‌گیری جریان تاریخ‌نگاری اسلامی در این دوران منجر شده است.

کلیدواژه‌ها: روحانیون، تاریخ‌نگاری، انقلاب اسلامی، تشیع.

۱. مقدمه

روحانیون از تأثیرگذارترین طیف‌ها و گروه‌های سیاسی و فرهنگی بودند که در جریان انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش و رهبری آن حضور داشته و بعد از انقلاب اسلامی، با حضور در عرصه‌های مدیریتی حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی در حوزه علمی، تئوریک، و قلمی نیز از گروه‌ها و افراد تأثیرگذار بودند. در این میان، توجه برخی از روحانیون به دانش تاریخ و تاریخ‌نگاری بعد از انقلاب حائز اهمیت است و عرصه تاریخ‌نگاری شاهد شکل‌گیری نسلی از مورخان روحانی است که با نام روحانیون مورخ فعالیت می‌کنند و کتب و آثار زیادی در حوزه موضوعات تاریخ اسلام و به ویژه انقلاب اسلامی از خود برجای گذاشته‌اند. بنابه اقتضائات و نیازهای سیاسی، فرهنگی، و ایدئولوژیک بعد از انقلاب، مورخان روحانی برخاسته از جریان اسلامی، به تحلیل یا تفسیر ایدئولوژیک از تاریخ اسلام و تاریخ انقلاب اسلامی پرداختند، بدین معنی که انقلاب اسلامی را در تداوم راه انبیا و ائمه (ع) می‌دانستند و تاریخ انقلاب را جلوه‌ای از تضاد حق و باطل برمی‌شمردند و مصادیقی هم برای آن ذکر می‌کردند. درواقع، این بینش و نگرش به تاریخ توسط روحانیون، بازتاب‌دهنده باورهای رایج جریان اسلامی و ارزش‌ها و معیارهای آن بود. ضرورت شناخت اسلام و تحلیل پیدایش و حرکت انقلاب اسلامی در امتداد تاریخ اسلام، پرداختن به تاریخ پهلوی و مقابله با روایت‌های تاریخی آن، و افشاگری بنیان‌های سست تاریخ‌نگاری کمونیستی از محورهای اساسی تاریخ‌نگاری روحانیون بعد از انقلاب بود.

بینش و ارزش‌های پذیرفته شده در تاریخ‌نگاری و نیز اندیشه تاریخ‌نگارانه روحانیون مورخ تاحد فراوانی، تحت تأثیر نگاه و رویکرد تاریخی امام خمینی (ره) قرار داشته است که در دوران بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش، نسلی از روحانیون تاریخ‌نگار، کسانی مانند حمید روحانی، علی دوانی، روح‌الله حسینیان، عمید زنجانی، و دیگران به شکل کیفی و کمی دست به نگارش کتب و آثار تاریخی با موضوعاتی چون تاریخ انقلاب اسلامی، تاریخ اسلام، و تشیع

پیش و نگرش روحانیون مورخ در ... (زینب احمدوند و رضا بیگدلو) ۵

زدند و به یکی از جریان‌های تاریخ‌نگاری در داخل کشور به شکل رسمی مبدل شدند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی منابع تاریخ‌نگارانه روحانیون مورخ، به دنبال پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری روحانی - مورخان بعد از انقلاب اسلامی چیست.

۲. پیشینه پژوهش

با جست‌وجوهای انجام‌شده تا ۲۰ بهمن ۱۴۰۱ ش درباره این موضوع تاکنون تحقیق کامل و مستقلی صورت نگرفته است و بدین جهت، این موضوع شایسته بررسی و پژوهش است. باوجوداین، در برخی آثار به شرح ذیل، اشاراتی به جریان تاریخ‌نگاری بعد از انقلاب شده، ولیکن درمورد مورخان روحانی مطلبی بیان نشده است.

توکلی (۱۳۸۷) در *سبک‌شناسی تاریخ‌نگاری معاصر ایران*، با تأکید بر تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، به سبک‌شناسی و روش‌شناسی در تاریخ معاصر می‌پردازد و در بخشی از پژوهش خود با عنوان «جریان‌ها و مراکز تاریخ‌نگاری معاصر» به معرفی برخی از جریان‌های تاریخ‌نگاری سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد. رویکرد کلی این کتاب معرفی سبک‌های نگارش کتب تاریخی و معرفی مراکز و مؤسسات پژوهش در تاریخ‌نگاری ایرانی به شکل مختصر و گزیده است. اثر دیگر این نویسنده با عنوان *کنکاشی در تاریخ‌نگاری معاصر* (۱۳۸۸) درواقع تاحدی تکرار مطالب کتاب *سبک‌شناسی وی* است.

شکوری (۱۳۷۱) در *جریان‌شناسی تاریخ‌نگاری‌ها در ایران معاصر*، تاریخ‌نگاری معاصر ایران را به جریان‌های تاریخ‌نگاری مانند درباری، استعماری وابسته، غرب‌گرا، اسلامی انقلابی، و رده‌هایی از این طیف تقسیم کرده است. در این کتاب، نویسنده بسیاری از جریان‌های اصلی سیاسی را، که در بطن تاریخ‌نگاری وجود داشت، (مانند ناسیونالیسم) رد کرده است. وی اکثر این جریان‌ها را به عنوان جریان‌های وابسته‌ای می‌داند که با فرهنگ و تمدن اسلامی ایران هم‌خوانی نداشته‌اند. هم‌چنین بسیاری از مورخان به عنوان وابستگان و غرب‌زدگانی معرفی شده‌اند که تاریخ‌نگاری آن‌ها نیز به سمت منافع غرب هدایت شده است. برخی مطالب این کتاب از نظر افشاگری می‌تواند به محققانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، کمک کند، اما نویسنده با نگاهی غیرعلمی، کم‌تر به صورت تئوریک به معرفی، بررسی، و نقد مکاتب و جریان‌های اصلی تاریخ معاصر ایران پرداخته است.

مقاله «تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی؛ ضرورت‌ها و بایستگی‌ها» از اسکندری فاروجی و دیگران (۱۳۹۷) به تحلیل انتقادی از تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی پرداخته است و باتوجه‌به این‌که مهم‌ترین مورخان انقلاب روحانی - مورخان هستند، آثار تاریخ‌نگارانه روحانیونی چون دوانی، سیدحمید روحانی، و عمید زنجانی را نیز موردبررسی قرار داده است.

مقاله «امام خمینی و دانش تاریخ» از حسن حضرتی (۱۳۸۸)، باتوجه‌به تأثیرگذاری و الهام‌بخشی دیدگاه‌های امام خمینی در آثار تاریخ‌نگارانه روحانیون شایسته تأمل است.

مولایی توانی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «ملاحظات روش‌شناختی در چپستی و اعتبار تاریخ‌نگاری‌های رسمی»، با طرح کلی از تاریخ‌نگاری رسمی، به شناسایی عناصر و مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری رسمی و شناساندن آن پرداخته است و در ادامه، به فراز و فرود و تداوم سیر تاریخ‌نگاری رسمی در ایران می‌پردازد. در این اثر، نویسنده تاحدودی به طرح عناوینی چون اعتبار تاریخ‌نگاری رسمی، جهت‌گیری‌ها، و پایگاه اجتماعی مورخان رسمی، که در پوشش حاکمیت‌ها دست به انتشار آثار تاریخی زده‌اند، می‌پردازد.

۳. سیر تکوینی تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، یکی از مهم‌ترین روی داده‌های اواخر قرن بیستم در جهان، دگرگونی‌های گسترده‌ای در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی ایران به‌هم‌راه داشته است. تاریخ‌نگاری ایرانی در دوران معاصر نیز از این دگرگونی‌ها و اثرگذاری‌های انقلاب اسلامی بی‌نصیب نمانده است. تاریخ‌نگاری امری مهم، پیچیده، و حاصل تعامل آگاهانه ذهن مورخ با واقعه تاریخی و نیز آثار مورخانه است و در هر عصری، برخاسته از اندیشه‌ها و گفتمان حاکم نسل معاصر خود است. همین مسئله باعث ایجاد بینش و نگرش‌های متفاوت و در تداوم آن، دوره‌های متفاوت در تاریخ‌نگاری ایرانی شده است (اسکندری فاروجی و دیگران ۱۳۹۷: ۷۵). تاریخ‌نگاری یک روش تفکر و رفتار علمی است که به‌کمک آن، مورخ به گزارش رخداد‌های تاریخی در قالب روایت‌های مکتوب تاریخی اقدام می‌کند که به بازآفرینی روی داده‌ها در چهارچوب گفتمانی مشخص و برپایه بینش‌ها و نگرش‌های متفاوت می‌انجامد. بی‌گمان، آن‌چه مورخان به‌عنوان دستاورد فکری و پژوهشی خود در قالب متن تاریخی درمی‌آورند، در آگاهی تاریخی‌شان ریشه دارد و حاصل بینش و نظام معرفتی و معنایی مورخ در نگارش تاریخ و درک این مسئله است که درواقع، همان ایدئولوژی، تفکر، و گفتمان مورخ است (مولایی توانی ۱۳۹۰: ۸۹). به‌بیان‌دیگر، تاریخ‌نگاری حاصل رویارویی آگاهانه ذهن و فکر مورخ با واقعه تاریخی است، نه

الزاماً انعکاس عینی واقعه. به بیان ساده‌تر، این بینش و نگرش مورخ است که اثر تاریخی را ترسیم می‌کند (آقاجری و دیگران ۱۳۸۰: ۳۸). بنابراین، بررسی تاریخ‌نگاری امری پیچیده و مهم است؛ چراکه در پس هر نوع تاریخ‌نگاری، اندیشه‌ای برخاسته از نیازها و گفتمان آن دوران نهفته است و روایت‌های متفاوت تاریخ‌نگاران و مورخان ناشی از این موقعیت‌ها و ضرورت‌های زمانی و مکانی است. در این بین، به اعتبار رابطه تنگاتنگی که میان تاریخ و سیاست برقرار است، تاریخ‌نگاری پس از روی‌داد سیاسی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش مورد توجه ویژه قرار گرفت و از لحاظ کمی و کیفی تغییر کرد و بعضاً توسعه یافت. مهم‌ترین ویژگی تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی نقد و به‌چالش کشیدن تاریخ عصر پهلوی، اهمیت یافتن موضوعات مرتبط با انقلاب اسلامی و تاریخ اسلام، به‌ویژه اسلام شیعی، گستردگی و تنوع منابع مورخان، و تولید کمی آثار تاریخی است (اسکندری فاروجی و دیگران ۱۳۹۷: ۷۸).

انقلاب اسلامی منشأ تحقق وقایعی در ایران گردید که آن وقایع نیز در فهرست مطالعات تاریخی و موضوعات تاریخ‌نگاری بعد از انقلاب جای گرفتند. در رأس عناوین این فهرست، بررسی انقلاب اسلامی، بیان مقدمات آن، علل و اسباب دورونزدیک آن، فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی اسلامی و غیراسلامی، روحانیت شیعه و رهبری امام خمینی (ره)، رجال عصر پهلوی و جمهوری اسلامی از جمله این موضوعات بودند. سیر تاریخ‌نگاری درباره انقلاب اسلامی از چهار دهه گذشته تاکنون در جریان است. ساده‌انگارانه خواهد بود اگر ابتدای این سیر تاریخ‌نگاری را پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش دانست؛ زیرا قبل از آن، آثار و متون تاریخی‌ای وجود دارد که انعکاسی از اوضاع اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران، عوامل، و شرایط زمینه‌ساز انقلاب در آن‌ها قابل بررسی است. به عنوان نمونه، می‌توان به کتاب *نهضت دوماهه روحانیت از حجت‌الاسلام علی دوانی* اشاره کرد که در سال ۱۳۴۱ ش، به موضوع مخالفت علمای شیعه با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی پرداخته است. روایت‌گری ناظران خارجی براساس مشاهدات یا تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی، از دیگر منابع تاریخی است که هم‌زمان با انقلاب اسلامی یا در نخستین سال‌های پیروزی انقلاب تدوین گردیده‌اند؛ مانند کتاب *غرور و سقوط* از آنتونی پاسونز، *مأموریت در ایران* از ویلیام سالیوان، *درون انقلاب* از جان دی استمپل، *همه سقوط می‌کنند* از گری سیک، *ایران انقلاب به نام خدا* از کلر بریز و پیر بلانشه، *اسرار سقوط شاه* از برژینسکی، *دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران* از فرد هالیدی و *ریشه‌های انقلاب ایران* از نیکی. آر. کدی، که مبنای تحقیق این آثار بیش‌تر تحلیل تاریخی دوره پهلوی است (بهبودی ۱۳۸۳: ۷-۸).

انتشار برخی کتب تاریخی و خاطره‌نویسی رجال و مقامات دوره پهلوی نیز از دیگر منابع تاریخ‌نگاری این دوران محسوب می‌گردد: از جمله پاسخ به تاریخ محمدرضا پهلوی، سقوط شاه فریدون هویدا، اعترافات از عباس قره‌باغی، من و برادرم از اشرف پهلوی و خدمت‌گزار تخت طاووس نوشته پرویز راجی. در داخل کشور نیز در اوایل انقلاب، مورخان برخاسته از جریان‌های مختلف فکری و سیاسی اقدام به تدوین آثار تاریخی کردند: از آن‌جمله آثاری مانند انقلاب اسلامی و مردم مشهد از رمضان علی شاکری، انقلاب ایران در دو حرکت و بازیابی ارزش‌ها از مهدی بازرگان، انقلاب ایران و مجاهدین خلق از کاظم رجوی، حزب توده ایران از نورالدین کیانوری، انقلاب و ضدانقلاب از جلال‌الدین فارسی و انتشار برخی اسناد دوره پهلوی به‌عنوان نمونه، مجموعه یازده‌جلدی اسناد لانه جاسوسی در طی سال‌های ۱۳۶۴-۱۳۶۸ ش. اما در این سیر تکوینی تاریخ‌نگاری برآمده از انقلاب اسلامی، دسته‌ای از مورخان پای به عرصه تاریخ‌نگاری گذاشتند که با سبک و سیاقی متفاوت با گذشته و با بینش و نگرشی مذهبی اقدام به تدوین کتب و متون تاریخی کردند که بعضاً از آن‌ها به‌عنوان مورخان روحانی تعبیر می‌گردد.

۴. روحانیون مورخ بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش

با پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت جمهوری اسلامی، نگاه به جریان تاریخ بیش از هر امر دیگری از گفتمان انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته است و مبنا و اساس فکری این جریان برداشتی از تعالیم اسلامی بود که در ایران، در قالب مذهب تشیع، حکومت اسلامی براساس نظریه ولایت فقیه شکل گرفته بود. مهم‌ترین ویژگی این جریان پذیرش تفسیر روحانیت و علمای شیعه از منابع دینی است که روحانیت شیعه را به‌عنوان محوری‌ترین رکن تشکیل‌دهنده خود می‌دید (جوادزاده ۱۳۸۹: ۱۶۵). علاوه‌بر معیارهای فوق، برای نمایاندن تمایز میان بینش مورخان که اقدام به نگارش تاریخ می‌کردند، شاخصه‌هایی از جمله اعتقاد به مبارزه مستمر در قالب مذهب شیعه، مخالفت و مبارزه مستقیم و غیرمستقیم با حکومت پهلوی، پیروی از امام خمینی (ره) را می‌توان برشمرد (توکلی ۱۳۸۸: ۱۷). به‌صورت کلی، می‌توان نگاه، روش، و بینش این مورخان را در ذیل عنوان تاریخ‌نگاری اسلامی و تاریخ‌نگاری رسمی در دوره حکومت اسلامی نیز گنجانند.

حضور این دسته از مورخان و تاریخ‌نگاران از ثمرات و تحولات انقلاب اسلامی در عرصه تاریخ‌نگاری ایرانی است. این جریان تاریخ‌نگاری، اگرچه تا قبل از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ش در سنت تاریخ‌نگاری ایران معاصر چندان به‌عنوان نگرشی مستقل و متمایز در قیاس

با دیگر جریان‌ها و بینش‌های تاریخ‌نگاری مانند تاریخ‌نگاری مارکسیستی یا جریان معطوف به ملی‌گرایی، یا جریان‌های مسلطی چون باستان‌گرایانه و سلطنت‌طلب‌ها شناخته شده نبود، ولیکن در سابه پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش توانست در قامت نگرشی مستقل، نه تنها به طرح خود در سپهر تاریخ‌نگاری ایران معاصر اقدام کند، بلکه در هم‌آوردی با دیگر جریان‌های تاریخ‌نگاری در این دوران، بعضاً موفق‌تر عمل کند. این دست از مورخان روحانی اقدام به ثبت وقایع تاریخی کردند که این خود شکل نوینی از حضور دسته جدید از مورخان و تاریخ‌نویسان را عرضه کرد؛ کسانی که از دریچه اسلام، مذهب تشیع، و آموزه‌های آن در تاریخ و جریان بلندمدت آن نظر می‌کردند و بیش از هر امر دیگری، تحت تأثیر گفتمان اسلامی پس از انقلاب قرار گرفتند، به گونه‌ای که بیش‌ترین تلاش‌ها از جانب این مورخان در جهت بسط و بازتولید این نگاه به تاریخ ایران و اسلام انجام گرفت که حاصل آن بعضاً شکل‌گیری و توسعه جریان تاریخی‌نگاری اسلامی است.

در ذیل، با نگاهی به اهم مورخان روحانی و آثاری که در حوزه تاریخی، مانند خاطره‌نویسی و کتب تاریخی، در باب انقلاب اسلامی و تاریخ اسلام از جانب این مورخان به نگارش درآمده است و سایر منابعی که از محتوای آن‌ها بتوان در درک و فهم بهتر نگرش تاریخی و شیوه تاریخ‌نویسی آنان بهره برد، می‌توان به جایگاه روحانیون مورخ در تاریخ‌نگاری ایرانی، بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش دست یافت. این پژوهش به منظور جلوگیری از آشفتگی‌های مفهومی و نظری و نیز سامان‌دهی بهتر، با تکیه بر چهارچوب مورخ‌محوری و مورخ‌شناسی، سعی در آشنایی با بینش و نگرش این دست از مورخان در عرصه تاریخ‌نگاری بعد از انقلاب اسلامی دارد. بی‌گمان، هر پژوهش تاریخی نمی‌تواند از فضای زمانه و رهیافت‌های معرفت‌شناختی روزگار خود یا مکتب فکری‌ای که به آن احساس تعلق دارد، برکنار باشد و فارغ از تمام این‌ها، وارد عرصه تاریخ‌نگاری شود و ناگزیر متن تاریخ‌نگارانه با جهان‌بینی مورخ آمیخته می‌شود. با این تفاسیر، متون تاریخی مستقل از ذهن و زبان مورخ نیست و درواقع، روی داد از ذهن و زبان مورخ بیان می‌گردد و آفریده می‌شود (ملایی توانی ۱۴۰۰: ۲۴۲).

به نسبت حجم گسترده و کمیت زیاد منابع تاریخ‌نگاری بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش، تولید و نگارش آثار تاریخی از جانب مورخان روحانی گستره قابل‌قبولی را به خود اختصاص می‌دهد. آنچه مسلم است این‌که فعالیت نگارشی روحانیون با توجه به حمایت حاکمیت جمهوری اسلامی از آنان و فعالیت‌های قلمی روحانیون در ابعاد گوناگون بعد از انقلاب، تاریخ‌نگاری نیز مورد توجه عده خاصی از آنان بوده است. فضای حاکم بر بینش این مورخان

و تلاش ایشان در بازخوانی تاریخ اسلام و ایران و انقلاب اسلامی در جهت مشروعیت‌سازی حرکت اسلامی مردم ایران در جریان انقلاب و عواملی از این دست، در رویکرد این مورخان تأثیرات زیادی داشته است. در ذیل، به معرفی برخی از این مورخان و آثار تاریخی آنان پرداخته می‌شود.

آیت‌الله مرتضی مطهری از جمله روحانیون شیعه، استاد فلسفه و کلام اسلامی و تفسیر قرآن، و از نظریه‌پردازان انقلاب اسلامی و بعدها نظام جمهوری اسلامی ایران بود. وی قبل از انقلاب، استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران بود. مرتضی مطهری به یک نهضت اسلامی معتقد بود و برای اسلامی کردن محتوای این نهضت، تلاش‌های ایدئولوژیک بسیاری کرد. آیت‌الله مطهری از جمله روحانیونی بود که با بهره‌گیری از دانش تاریخ، سعی در بازآموزی تفکرات ایدئولوژیک خود داشت، اگرچه الزاماً نمی‌توان ایشان را مورخ نامید، ولی از جمله اولین روحانیونی بوده که از قبل از انقلاب، اقدام به مطالعه و تحلیل‌های تاریخی و فلسفه تاریخ کرده و از آن در بسط و بیان اندیشه‌های خود بهره برده است. از جمله آثار مطهری در حوزه تاریخ اسلام و تشیع و فلسفه تاریخ می‌توان به *آینده انقلاب اسلامی*، *جامعه و تاریخ*، *حرکت و زمان در فلسفه*، *حماسه حسینی*، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، *سیری در سیره ائمه اطهار*، *فلسفه تاریخ*، *نقدی بر مارکسیسم*، *نهضت‌های اسلامی صد سال اخیر* و *کتاب‌سوزی ایران و مصر* اشاره کرد. ثبت و نگارش این آثار در حوزه تاریخ، تأثیر زیادی در توسعه جریان تاریخ‌نگاری اسلامی بعد از انقلاب، به‌ویژه قالب‌بندی نگاه جریان اسلامی در عرصه تاریخ داشته است (پهلوان ۱۳۸۲: ۱۹۵-۱۹۹).

حجت‌الاسلام سیدحمید روحانی، از دیگر محققان و مورخان روحانی است. وی از اولین مورخان تاریخ انقلاب اسلامی است و از اعضای دفتر امام خمینی در نجف نیز بوده است. او در نیمه دوم دهه ۵۰، اولین اثر خود را با نام *نهضت امام خمینی (ره)* به‌نگارش درآورد و در این کتاب، به نقش رهبری امام خمینی (ره) و تأثیر عمیق آن بر انسجام و اتحاد مردم ایران و نیز بر ضعف‌ها، ناکامی‌ها، و بنیان‌های سست مشروعیت حکومت پهلوی اشاره کرده است. این اثر را می‌توان یکی از الگوهای مهم و تأثیرگذار دانست که مورخان جریان اسلامی براساس مندرجات و رویکرد اصلی در نگارش آن، به تألیف آثار خود دست زده‌اند. این مجموعه با ارائه شواهد و اسناد و مدارک، سعی دارد جزئیات این انقلاب اسلامی را بازگو کند تا خوانندگان و علاقه‌مندان به درستی از ماهیت و حقیقت انقلاب اسلامی آگاهی یابند. نویسنده در مقدمه، یادآور شده که سال‌ها و از آغاز نهضت اسلامی، جریان‌های درونی و برونی آن را پی‌گیری

پیش و نگرش روحانیون مورخ در ... (زینب احمدوند و رضا بیگدلو) ۱۱

کرده و در متن آن قرار داشته است و به جز یک سال سفر ترکیه، در دیگر تبعیدها و هجرت‌ها با امام همراه بوده و همواره به گردآوری اسناد و اطلاعات همت گمارده است. آنچه سبب می‌شود تا محتوای این اثر را بتوان در ذیل تاریخ‌نگاری انقلاب به‌شمار آورد، رویکرد مورخ به تحولات ایران قبل از انقلاب، پیروزی انقلاب اسلامی، و تلاش‌های هم‌زمان سایر جریان‌های سیاسی دهه ۶۰ برای برداشتن سهمی از قدرت در نظام جدید است. از آن‌جاکه سیدحمید روحانی مستقیماً از جانب امام مأمور نگارش تاریخ انقلاب شد، لذا می‌توان محتوای این اثر را تاریخی غیرانتقادی دانست که تلاش مورخ در آن، بازآفرینی تاریخی ایدئولوژیک اختصاص یافته است. البته این اثر در نوع خود به‌دلیل انتقال حجم وسیعی از گزارش‌های تاریخی دارای اهمیت شایان‌توجهی است (روحانی ۱۳۸۳: ج ۳، ۸-۱۵).

حجت‌الاسلام علی دوانی از دیگر تاریخ‌نگاران و تراجم‌نگاران در دوران معاصر به‌شمار می‌رود که آثاری را در حوزه تاریخ اسلام و انقلاب برجای نهاده است. کتاب ده‌جلدی *نهیض روحانیون/اسلام* مهم‌ترین اثر دوانی است. در این اثر حجیم، مؤلف با رویکردی تاریخی از دوره سربهداران تا دوره‌های پس از انقلاب اسلامی را با تأکید بر نقش و جایگاه روحانیت شیعه در این دوره طولانی، موردارزیابی قرار داده است که در زمره آثار تاریخی در ذیل جریان اسلامی جای می‌گیرد که تحت‌تأثیر پیروزی انقلاب و غلبه گفتمان اسلام‌گرایی در آن قرار گرفته است. وی علاوه بر تألیف، در مؤسسات آموزش عالی به تدریس تاریخ اسلام اشتغال داشت. از او بیش از شصت اثر منتشر شده است. کتاب *خاطرات من/از استاد مطهری* حاوی نکاتی مهم در تاریخ انقلاب اسلامی است. از دیگر آثار او در حوزه تاریخ اسلام و تشیع، می‌توان به کتاب *مفاخر اسلام و نهضت دوماهه روحانیون* اشاره کرد (لهستانی‌زاده ۱۳۸۰: ۴۹۳).

حجت‌الاسلام عباسعلی عمید زنجانی محقق و مورخ روحانی در حوزه انقلاب اسلامی است. مهم‌ترین اثر تاریخی وی با عنوان *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن* از مهم‌ترین منابع در حوزه تاریخ انقلاب اسلامی، وابسته به جریان رسمی تاریخ‌نگاری انقلاب است. وی هم‌چنین در حوزه تاریخ به تأسیس «پژوهشکده مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی» پرداخت که از سال ۱۳۶۷ ش فعال است و در توسعه کمی و کیفی جریان تاریخ‌نگاری اسلامی قابل‌توجه است (صالحی تجریشی ۱۳۸۹: ۱۶).

حجت‌الاسلام روح‌الله حسینیان را نیز می‌توان از جمله روحانیون مورخ پس از انقلاب ۱۳۵۷ ش برشمرد که در حوزه تاریخ، به‌خصوص در زمینه تاریخ سیاسی و تشیع، دست به تألیف آثاری زده است. وی به ریاست سازمان اسناد انقلاب اسلامی رسید و با دستیابی به اسناد و

مدارک طبقه‌بندی‌شده دوران قبل از انقلاب درباره اشخاص، به چاپ چندین جلد کتاب پرداخته است. برخی آثار روح‌الله حسینیان مانند رهبری در تشیع، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، چهارده قرن تلاش شیعه برای توسعه و ماندن، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران، و بازخوانی نهضت ملی ایران، در حوزه تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی است.

علاوه بر افراد و شخصیت‌های فوق به‌عنوان روحانیون تاریخ‌نگار، کسان دیگری مانند حجت‌الاسلام سیدهادی خسروشاهی، حجت‌الاسلام علی ابوالحسنی، و حجت‌الاسلام ابوالفضل شکوری، نویسنده کتاب جریان‌سنج تاریخ‌نگاری‌ها در ایران معاصر، و بعضاً رسول جعفریان نیز از دیگر روحانیون در عرصه تاریخ معاصر، دوران مشروطه، دوران پهلوی، و انقلاب اسلامی هستند (جدول ۱).

علاوه بر این، چاپ کتب خاطرات توسط برخی روحانیون نیز به‌شکل غیرمستقیم در حوزه تاریخ‌نگاری و به‌عنوان منبع نگارش تاریخ، به‌نوعی در قالب این جریان قرار می‌گیرد. سنت خاطره‌نویسی رویکردی بود که بعضاً به‌شکل گسترده موردتوجه بخش اعظمی از نخبگان و دولت‌مردان روحانی دست‌اندرکار در انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت و آثاری از لحاظ کمی و کیفی به‌چاپ رسید. اگرچه این سبک نگارش، چه به‌صورت شفاهی و چه به‌صورت کتبی، در گذشته در میان علما و نوشته‌های اسلامی رایج نبود و بعضاً نوعی ریا تلقی می‌شد، پس از انقلاب اسلامی، بنابه ضرورت و نیاز جامعه، خاطره‌نویسی به‌صورت یک سنت درآمد و موردتوجه قرار گرفت. درکل، با درنظرگرفتن برخی معایب این دست آثار، ازجمله بعضاً اغراق‌گویی و گزینشی‌بودن مطالب آن‌ها، اما در کلیت خود بسیار ارزنده‌اند. ازجمله این آثار می‌توان به کتاب خاطرات حجت‌الاسلام شیخ محمدتقی فلسفی، خاطرات آیت‌الله منتظری، خاطرات آیت‌الله خلیجی، خاطرات آیت‌الله علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی، خاطرات حجت‌الاسلام عبدالمجید معادی، و کسان دیگر از این دست اشاره کرد.

این سبک تاریخ‌نگاری تحت‌تأثیر گفتمان اسلام‌گرایی بعد از انقلاب اسلامی و نیز بر اثر بسط اجتماعی - فرهنگی این جریان در جامعه ایران پس از انقلاب قرار داشت، درنتیجه چنین برداشتی، اسلام نه‌فقط پاره‌ای آموزه‌های عبادی و اخلاقی صرف، بلکه دارای برنامه‌ای مدون در مسیر اداره جامعه و نیز حکومت سیاسی معرفی و شناسانده شد. این مسئله متأثر از آموزه‌های امام خمینی (ره) به‌عنوان مفسر و تبیین‌گری بسیار قوی در قامت رهبری انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش بود. جدا از توفیقات چشم‌گیری که امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبری انقلاب به‌دست آورد، در آن‌چه به حوزه نگرش و بینش تاریخی نیز ارتباط پیدا می‌کرد، نظرگاه‌های ایشان یک فلسفه

بیش و نگرش روحانیون مورخ در ... (زینب احمدوند و رضا بیگدلو) ۱۳

نظری عمیق در جریان تاریخ بود که حاصل آن پی‌ریزی اساس و بنیان انقلاب اسلامی در حوزه نظر و بسط اندیشه حکومت اسلامی در قالب عمل سیاسی شد. صحبت درباب فهم و بیش تاریخی امام خمینی (ره) در این پژوهش، از آن جهت دارای اهمیت است که دانسته شود که بیش و ارزش‌های پذیرفته‌شده در اندیشه تاریخ‌نگارانه روحانیون مورخ تاحد فراوانی تحت‌تأثیر نگاه و رویکرد تاریخ‌نگارانه امام (ره) قرار داشته است. برای این دست از مورخان، انقلاب اسلامی و آموزه‌های مندرج در آن، شعارها و اهداف آن در تداوم حرکت انبیای الهی و ائمه معصوم (ع) قرار داشت.

در این بین، بیش تاریخی این طیف از مورخان بعضاً درحد وسیعی تحت‌تأثیر نگرش امام خمینی (ره)، عرصه تاریخ را از ابتدایی‌ترین دوره‌ها تا زمان معاصر، حوزه برخورد حق و باطل، روشنایی و تاریکی، نور و ظلمت، ظالم و مظلوم، و مفاهیمی ازاین‌دست مطرح می‌کرد که پیروزی نهایی در این نبرد تاریخی با تحولات ایران معاصر و ازجمله انقلاب اسلامی نیز هم‌پوشانی پیدا می‌کرد. لذا پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش در تداوم همان نبرد دیرین نیروهای نام‌برده، تفسیر می‌شد (صحیفه نور ۱۳۷۸: ج ۲، ۲۶۳). در بیش تاریخی امام خمینی (ره)، همواره تأکید بر نوعی تجربه‌اندوزی و عبرت‌گیری نهفته است. نگاه امام در این‌جا نیز بیش‌تر رویه و رویکرد حاکمان و قدرت‌مندانی را در کانون توجه قرار می‌دهد که حکومت مشروع یا غیرمشروع آنان بیش از این‌که جنبه عدالت‌گری را ارج بنهد و در میان مردم به داد و عدل حکومت کند، رویکرد ظالمانه‌ای اتخاذ کرده است. از آن‌جاکه مؤلفه‌های دوگانه و ارزشی، بیش امام (ره) را از وجهه‌ای متمایز برخوردار کرده است، در این‌جا نیز از نگاه امام، نبرد همیشگی ظلم و عدل از ویژگی‌های همیشگی در جریان تاریخ است که این نبرد درنهایت، به پیروزی عدالت و شکست ظلم منتهی خواهد شد (همان: ج ۸، ۳۴۸).

انتقاد صریح امام در این مورد هم متوجه رویکردهای حکومت پهلوی بود که از نظر امام، مصداق بارز حکومت ظلم بود. بنابراین، حضور واژه‌هایی مانند استعمار، استثمار، شرق، غرب، و غیره در تحلیل تاریخ معاصر از جانب روحانیون مورخ از همین بنیان‌های نظری نزد ایشان خبر می‌دهد (سویه‌هایی در تاریخ‌نگاری/انقلاب اسلامی ۱۳۸۸: ۲۰۵). به‌صورت کلی، اهم موضوعاتی که در حوزه تاریخ معاصر، توجه امام (ره) را به‌خود معطوف می‌ساخت، عبارت بودند از: بررسی حضور استعمار در ایران، اوضاع اجتماعی دوره قاجار، رویکرد پادشاهان در سراسر تاریخ ایران، مبارزات روحانیت در تاریخ معاصر ایران، نقش زنان در مبارزات مشروطه‌خواهی، نقد کنارگذاشتن روحانیت از فضای سیاسی، و نیز روابط خارجی پهلوی‌ها. در

تمامی این حوزه‌ها، بینش تاریخی امام را می‌توان به‌درستی فهم کرد. این الگویی بود که مورخان روحانی، شاکله اصلی خود را بر آن استوار ساختند و سنت نگارشی خود را در این دوره، براساس این فهم نظری از تاریخ به‌پیش بردند. فارغ از این مؤلفه مهم در بینش تاریخی این مورخان، تاریخ معاصر ایران، به‌ویژه از دوره مشروطه تا سقوط حکومت پهلوی و تاریخ صدر اسلام و تاریخ تشیع، در کانون توجهات این طیف از مورخان قرار گرفت.

جدول ۱. معرفی برخی روحانیون مورخ بعد از انقلاب اسلامی

نام مورخ	معرفی آثار	شیوه تاریخ‌نگاری
آیت‌الله مظهری	آینده انقلاب اسلامی، جامعه و تاریخ، حرکت و زمان در فلسفه، حماسه حسینی، خدمات متقابل اسلام و ایران، سیری در سیره ائمه اطهار، فلسفه تاریخ، نقدی بر مارکسیسم، نهضت‌های اسلامی صد سال اخیر، و کتاب‌سوزی ایران و مصر	مرتضی مطهری به یک نهضت اسلامی معتقد بود و برای اسلامی‌کردن محتوای این نهضت، تلاش‌های ایدئولوژیک بسیاری کرد. آیت‌الله مطهری از جمله روحانیونی بود که با بهره‌گیری از دانش تاریخ، سعی در بازآموزی تفکرات ایدئولوژیک خود داشت.
جهت‌الاسلام سیدحمید روحانی	بررسی و تحلیل نهضت امام خمینی (چهار جلد) (سال چاپ: ۱۳۶۰)	این مجموعه با ارائه شواهد و اسناد و مدارک، سعی دارد جزئیات این نهضت را بازگو کند تا خوانندگان و علاقه‌مندان به‌درستی از ماهیت و حقیقت انقلاب اسلامی آگاهی یابند. نویسنده در مقدمه یادآور شده که سال‌ها و از آغاز نهضت اسلامی، جریان‌های درونی و برونی آن را پی‌گیری کرده و در متن آن قرار داشته است و به‌جز یک سال سفر ترکیه، در دیگر تبعیدها و هجرت‌ها با امام بوده و همواره به گردآوری اسناد و اطلاعات همت گمارده است. امتیاز دیگر این دفتر، اسناد و مدارکی است که از دشمن به‌جای مانده است و بهترین منبع برای دریافت و تحلیل سیر حوادث و روی‌داد این حرکت بزرگ اسلامی است. از آن‌جاکه سیدحمید روحانی مستقیماً از جانب امام امور نگارش تاریخ انقلاب شد، لذا می‌توان محتوای این اثر را تاریخی غیرانتقادی و معطوف به قدرت دانست که تلاش مورخ در آن، سراسر به بازآفرینی تاریخی ایدئولوژیک اختصاص یافته است. اگرچه این اثر در نوع خود، به‌دلیل انتقال حجم وسیعی از گزارش‌های تاریخی دارای اهمیت شایان‌توجهی است، باوجوداین، رویکرد کلی مورخ در این اثر را می‌توان هم‌سو و همراه با گفتمان کلی انقلاب اسلامی دانست.

نام مورخ	معرفی آثار	شیوه تاریخ‌نگاری
حجت الاسلام علی	خاطرات من از استاد مطهری، مفاخر اسلام، نهضت دوماهه روحانیون	غلبه بینش دینی در نگرش تاریخی حجت‌الاسلام علی دوانی، تأثیر نظام مفاهیم و واژگان برخاسته از بطن انقلاب اسلامی بر زبان تاریخ‌نویسی وی، نگاه تاریخی به دین به مثابه یک ایدئولوژی سیاسی - حکومتی، اتخاذ مواضع محکم در برابر دیگر جریان‌های سیاسی معاصر ایران است.
حجت الاسلام عباسعلی	انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن	این اثر مهم‌ترین منبع در حوزه تاریخ انقلاب اسلامی، وابسته به جریان رسمی تاریخ‌نگاری انقلاب است.
حجت الاسلام روح‌الله	رهبری در تشیع، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، چهارده قرن تلاش شیعه برای توسعه و ماندن، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران، و بازخوانی نهضت ملی ایران	آثار وی بیش‌تر در حوزه تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی است.
کسانی دیگری از جمله حجت‌الاسلام سیدهادی خسروشاهی، حجت‌الاسلام علی ابوالحسنی، حجت‌الاسلام ابوالفضل شکوری، و حجت‌الاسلام رسول جعفریان از این دست مورخان هستند.		

۵. بینش و نگرش تاریخی روحانیون مورخ

تاریخ‌نگری بنیان نظری، مفهومی و معرفتی، روش مورخان در نگارش تاریخ شمرده می‌شود که جنبه عقلی، ذهنی، و اندیشگی دارد و از جنس باور و نگرش است و بدون آن، تاریخ‌نگاری اساساً ناممکن است. طبعاً آن‌چه در قالب متن تاریخی درمی‌آید، حاصل دیالکتیک ذهن (تاریخ‌نگری و معرفت‌شناسی) و عین (رخدادهای تاریخی) و نیز داده‌ها و منابع تاریخی است. بنابراین، منظور از تاریخ‌نگری بینش، تفکر، ره‌یافت، و باور و نگاه و اندیشه و چهارچوب ذهنی است که مورخ در پدیدآوردن متن تاریخی از آن تبعیت می‌کند و از همان منظر، به تاریخ و وقایع تاریخی می‌نگرد و درواقع، تاریخ‌نگری همان نظام معرفتی و معنایی است که جهان‌بینی و چهارچوب فکری و ذهنی مورخ را شکل می‌دهد و او را وارد عرصه تاریخ می‌کند و دست به تاریخ‌نگاری می‌زند (ملایی توانی ۱۴۰۰: ۲۴۱).

در بینش و نگرش مورخان روحانی، مؤلفه‌هایی چون قهرمان‌محوری، معرفت دینی، مشیت الهی، بینش شریعت‌مدارانه، موعودگرایی، جهان‌بینی و پیوستگی، ترسیم تاریخ خطی، مشروعیت‌بخشی به حاکمیت جدید، عبرت‌آموزی و تأثیرگذاری بر مورخان بعد از خود، بیش‌ترین بسامد را داشته است و با روش جرح و تعدیل روایت‌ها، برجسته‌سازی قسمت‌هایی از تاریخ چون تاریخ صدر اسلام و انقلاب اسلامی و حاشیه‌رانی قسمت‌هایی از تاریخ ایران چون تاریخ باستان و اندیشه شاه آرمانی، پیوستگی و بهره‌گیری از گزاره‌های دلالت‌گر و گزاره‌های ارجاعی، شکل و محتوی اثر، وقایع‌نگاری و نظام‌گزینشی در تاریخ ورود کرده‌اند (همان: ۲۴۳). این نگاه به تاریخ در تمامی آثار تاریخ‌نگاری این مورخان، اعم از کتب تحقیقی و خاطره‌نگاری، مشهود است؛ آثار تاریخی‌ای که حاصل اندیشه این مورخان است و پیرو نظام گفتمانی انقلاب اسلامی و حاکمیت جمهوری اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی است. بر این اساس، تاریخ‌نگاری آنان دارای رویکردی کلان به تاریخ و روی داده‌های تاریخی است و عبرت‌آموزی از وقایع تاریخی و مبارزه مستمر در جریان تاریخ است. مبنای نگاه و نگرش آنان به روی داده‌های تاریخی است.

نظام کلی، که در بینش و نگرش تاریخی مورخان روحانی تأثیر نهاده است، پس از پیروزی انقلاب و از درون گفتمان انقلاب اسلامی برخاسته بود. بنابراین، مؤلفه‌هایی بسیار مهم و جریان‌ساز نظیر احساس رسالت خطیر، ابداع و احیای اشکال و سنن فرهنگی، شرکت‌دادن توده‌ها در جریان تصمیم‌سازی‌های مهم، استعداد دمیدن روح ایثار در پیروان خود، توان استفاده به‌جا و نیرومند از اسطوره‌های دینی، دمیدن اعتمادبه‌نفس در روحیه جمعی ایرانیان، از خودگذشتگی و علقه استوار به انجام امور دشوارتر با روشی منظم، و غیره، تماماً در بینش تاریخی روحانیون تاریخ‌نگار بازتاب یافت (مریام ۱۳۷۹: ۶۳).

برای این مورخان، بینش تاریخی رهبر انقلاب اسلامی در زمره اصیل‌ترین بینش‌های تاریخی به‌شمار می‌آمد که سرچشمه‌ای کاملاً دینی داشت و نظام ارزشی بسیار متمایزی بر آن حکم‌فرما بود. بر این اساس، تاریخ‌نگاری این طیف از مورخان از گفتمان تاریخی امام نشئت می‌گرفت. علاوه‌براین، خود شخصیت امام (ره) نیز برای این مورخان نمودار شخصیتی عظیم و رهبری قدرت‌مند بود که در قامت رهبری مسلمین، مهم‌ترین رکن و اساس در تحولات سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی قلمداد می‌شد. برای این مورخان، تمامی تحولات اجتماعی و سیاسی در سایه نفوذ معنوی امام به‌وقوع پیوسته بود؛ امری که علاوه‌بر مورخان نزدیک به جریان و گفتمان انقلاب اسلامی، در نظر مورخان مستقل داخلی و خارجی نیز بدان تصریح شده است (الگار ۱۳۷۱: ۳۲۳).

برای این دست از مورخان، انتشار رساله کشف الاسرار امام (ره)، که حاوی تئوری پردازی‌های ایشان در حوزه سیاست‌ورزی و همچنین چگونگی ایجاد حکومت اسلامی بود، به عنوان نقطه حرکتی مهمی در نظر گرفته می‌شد که اولین تلاش‌ها را در جهت بسط آموزه‌های سیاسی - فقهی امام مهیا می‌ساخت و خود از یک نظام تاریخ‌نگاری منسجم و البته دینی نزد امام خبر می‌داد. در این تئوری حکومتی، یک برداشت مهم تاریخی نهفته بود و آن تأکید بر نقش تاریخی فقها در عصر غیبت امام زمان بود. برای امام خمینی (ره)، تاریخ اسلام از این منظر تماماً حکومت‌های جائر را به خود دیده بود؛ زیرا مجالی برای حکمرانی فقها در عصر غیبت فراهم نشده بود. این امر در واقع نقش ایدئولوژیک تاریخ را در نظام تاریخ‌نگاری امام پررنگ‌تر می‌ساخت (همان: ۳۰۴).

آنچه از امام (ره) و نقش حیاتی ایشان در جریان پیروزی انقلاب نیز روایت شد، بیش از هر حوزه دیگری ویژگی‌های بسیار بارز شخصیتی ایشان را شامل می‌شد، یعنی هم ابعاد اخلاقی و شخصیتی‌ای هم‌چون فسادناپذیری، اخلاق‌گرایی قابل تأمل نزد ایشان، ساده‌زیستی، و غیره و هم ابعاد دیگری که به حیات سیاسی ایشان در موقعیت رهبری انقلاب مربوط می‌شده است. آنچه در این حوزه هم در تاریخ‌نگاری روحانیون در باب امام (ره) بازتاب داده شد، شامل ایده‌های تئوریک ایشان درباره چگونگی پیاده کردن الگوی حکومت اسلامی، آشتی‌ناپذیری ایشان با حکومت پهلوی، تداوم صریح انتقادات ایشان از رویکرد عمال حکومت، عزم استوار و ثابت‌قدمی ایشان، اعتقاد ایشان به مفاهیم پویا، اعتقاد به نقش مردم در اداره امور کشور، ایجاد دگرگونی‌های عمیق دینی، و غیره می‌شد (کدیور ۱۳۷۱: ۶۳).

آنچه بیش از هر امر دیگری به عنوان مهم‌ترین الگوی بینشی و نگرشی در اختیار این مورخان قرار گرفت، بینش، نگرش، و تاریخ‌نگاری امام خمینی (ره) بود که به عنوان رهبر انقلاب اسلامی، از منظر متفاوت در کل جریان تاریخ نظر می‌کرد. تأثیری که بینش امام خمینی (ره) بر بینش و نگرش مورخان روحانی گذاشت، انکارناپذیر بود.

باتوجه به آنچه در بالا گفته شد، بررسی تاریخ‌نگاری از منظر روحانیون شیعه بدون یک آگاهی کلی از مهم‌ترین مؤلفه‌های روش‌شناسانه نزد مورخان این جریان نمی‌تواند راه‌گشای فهم مناسب تاریخ‌نگاری این نویسندگان باشد. بررسی هرچند مختصر این امر کمک می‌کند تا مهم‌ترین بنیان‌های روش‌شناسانه این مورخان نمایان شود. بدیهی است که آنچه در نظر این مورخان به منزله یک روش مقبول پذیرفته شده است، خود دارای ابعادی است که فهم این طیف از مورخان را از تاریخ‌نویسی، بینش تاریخی، چگونگی فهم جریان تاریخ، و غیره، شکل

و انسجامی متمایز بخشیده است. آنچه در این جا نیز از روش‌شناسی موردنظر است، تمامی انگاره‌هایی را در بر می‌گیرد که به تاریخ‌فهمی و بینش نظری این مورخان در حوزه تاریخ جهت‌دهی خاصی می‌داده است.

عرصه‌هایی هم‌چون چگونگی نقل روایت‌های صحیح، کیفیت، و تلاش مورخ برای حقیقت‌جویی و حقیقت‌جویی و تأثیر جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها در جهت‌دهی به نگاه مورخ در مسیر نگارش تاریخ و هم‌چنین دیدگاه‌های نظری ایشان در باب هدف یا غایت تاریخ و نمونه‌هایی از این دست، در نگرش مورخ ممکن است تأثیرگذار باشد. اکنون و با تکیه بر آنچه تاکنون گفته شد، مهم‌ترین و اساسی‌ترین مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری مورخان روحانی موردتأمل قرار می‌گیرد:

- غلبه بینش دینی و مذهبی در تاریخ‌نگاری

نگرش دینی مورخان روحانی سبب می‌شد تا آنان در نتیجه گفتمان احیاگرانه دینی در جریان انقلاب اسلامی، با بینشی نشئت‌گرفته از آموزه‌های اعتقادی و دینی - مذهبی خود به تاریخ نگاه کنند و دست به تفسیر و تبیین بزنند و تحت تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی، اسلام را دین مبارزه و هدف از رسالت انبیا را ایجاد تحول و انقلاب در کل وجوه حیات آدمیان می‌دانستند. حجم بسیار وسیعی از کتاب *انقلاب اسلامی* به بازخوانی تاریخ رسالت انبیا و تلاش در جهت خوانشی ایدئولوژیک و کارکردی از رسالت آنان اختصاص یافته است (روحانی ۱۳۸۳: ۱۲-۴۶). تعریف انقلاب اسلامی براساس مفاهیم دینی، تلاش برای بازخوانی رسالت انبیا در یک بستر انقلابی و سیاسی، تأکید بر آموزه‌های قرآن در حوزه بینش نظری تاریخی و تطبیق حوادث و جریان‌های معاصر ایران با این پیش‌فرض‌های اعتقادی، و غیره را می‌توان در زمره ویژگی‌های بینشی و نگرشی در تاریخ‌نگاری این نویسندگان دانست که از منظر دینی و اعتقادی و با برداشتی ایدئولوژیک از آموزه‌های دینی و مذهبی در تاریخ نظر می‌کردند و عرصه تاریخ را صحنه نبرد نیروهای خیر و شر در نظر می‌گرفتند (فارسی ۱۳۶۸: ۹۲-۹۷).

- نظام مفهومی ارزشی برخاسته از بطن انقلاب اسلامی

در حوزه فرهنگی، انقلاب اسلامی آفریننده یک نظام مفهومی با بار ارزشی بود که مورخان روحانی نیز با استفاده از آن مفاهیم، به تحلیل وضع موجود و نیز بازخوانی کل تاریخ ایران تا دوره پس از انقلاب پرداختند.

بیش و نگرش روحانیون مورخ در ... (زینب احمدوند و رضا بیگدلو) ۱۹

این مورخان تحت تأثیر این نظام مفهومی، زبان نگارش خود را در آثار تاریخی به کمک این مفاهیم ارزشی به زبانی نزدیک به دین، انقلاب، تاریخ، فرهنگ، و غیره ساختند. درواقع برای این مورخان، نگارش تاریخ معاصر ایران با مفاهیمی هم چون فساد مطلق، مصرف گرایی، سلطه پذیری متداوم، هموار کردن راه استعمار برای سلطه بر کشور، افول و ظلمت فرهنگی و مفاهیم، مبارزه با استکبار، و اصلاحاتی نظیر این ها بود. این مورخان در تحلیل و تبیین های خود به تناوب از واژه هایی مانند نور و ظلمت، تاریکی و روشنایی، حق و باطل، اسلام و کفر، و غیره بهره می گرفتند (عمید زنجانی ۱۳۶۹: ۱۶-۳۲).

- تأثیرپذیری از ایدئولوژی انقلابی اسلام شیعی

مذهب انقلابی تشیع در بطن خود یک ایدئولوژی سیاسی-اجتماعی-فرهنگی است که پاسخ تمامی نیازها در سطوح و ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی را می دهد. در بینش تاریخی این مورخان، مذهب به مثابه یک منبع غنی است که توانایی پاسخ گویی به تمامی نیازها را در درون حکومت اسلامی خواهد داشت. پاره ای از مورخان نزدیک به این جریان، برای رسالت انبیا، اهداف اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی مطرح کرده اند و رسالت آن ها را در جهت سامان بخشیدن به این ابعاد زندگی آدمیان بازتعریف می کردند. برای همین امر هم بود که تاریخ برای این مورخان، مهم ترین بستر را فراهم می آورد تا از طریق بازتفسیر جریان های پیشین تاریخی، نیازهای امروز و معاصر خویش را پاسخ دهند (دوانی ۱۳۶۱: ج ۱، ۲۲-۴۸).

درکل، تاریخ نگاری این مورخان برگرفته از آموزه های اصیل و انقلابی مذهب تشیع بود که تاریخ اسلام، ایران معاصر، و تاریخ انقلاب اسلامی را با تکیه بر این باورها بازآفرینی کردند.

۶. نتیجه گیری

این پژوهش درواقع تلاشی درجهت واکاوی و تحلیل مقوله بیش و نگرش در تاریخ نگاری روحانیون شیعه بود. در این پژوهش، تاحدودی تلاش شد تا بر این نکته پراهمیت تأکید شود که تأثیر پدیده انقلاب اسلامی در ایجاد این بیش و نگرش تاریخی، بسیار مهم، تأثیرگذار، و انکارنشدنی است. اگر سابق براین و در سنت تاریخ نگاری ایران معاصر تا قبل از انقلاب اسلامی، نحله ها و جریان های پرنفوذی مانند بیش تاریخ نگری مارکسیستی، ملی گرایانه،

سلطنتی، باستان‌گرایانه، و غیره برای غلبه تفکر خود به شدت تمام در کار نگارش و تألیف آثار خویش بودند تا تاریخ را براساس انگاره‌ها و باورهای خاص خودشان به نگارش درآورند، باین وجود و پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ش بود که جریان دیگری با نام جریان اسلامی با حضور چهره‌های مذهبی و بعضاً روحانی تلاش کرد به عنوان یک جریان مسلط و رسمی در داخل کشور وارد گردد و برای اولین بار، محققانی با لباس روحانیت شیعه وارد عرصه ثبت و نگارش تاریخ شدند که این در جای خود تازگی دارد.

بیش و نگرش این جریان تاریخی بعد از انقلاب، به تاریخ در بطن خود هم از یک نظام روش‌شناسی خاص پیروی می‌کرد و هم دارای مؤلفه‌هایی تمایزبخش بود که از اساس، تفاوت بنیادین خود با دیگر نحله‌های تاریخ‌نگاری رقیب را نمایان ساخت. این مؤلفه‌های تمایزبخش دقیقاً تحت تأثیر گفتمان غالب اسلام‌گرایی قرار گرفت که خود را در قالب انقلاب اسلامی در تاروپود جامعه ایرانی بسط داد. آنچه بیش از هر امر دیگری به عنوان مهم‌ترین الگوی بینشی و نگرشی در اختیار این مورخان قرار گرفت، بیش، نگرش، و تاریخ‌نگاری امام خمینی (ره) بود که به عنوان رهبر انقلاب اسلامی، از منظری متفاوت در کل جریان تاریخ نظر می‌کرد؛ تأثیری که بیش تاریخ‌نگرانه امام خمینی (ره) بر نگرش مورخان روحانی گذاشت، انکارناپذیر بود.

مورخان روحانی از آن‌جا که نزدیک‌ترین قرائت ممکن را به قرائت حکومتی و انقلابی به تاریخ داشتند و درواقع همان تاریخ‌نگاری رسمی می‌توانست به شمار آید، نگارش تاریخی با غلبه گفتمان اسلام‌گرایی را در دستور کار خود قرار دادند و در این راه، نگاه و نظری متفاوت‌تر به جریان تاریخ افکندند. درواقع دریچه اسلام‌گرایی مهم‌ترین منفذی بود که این مورخان از آن در کل تاریخ ایران و به خصوص تاریخ معاصر نظر می‌کردند و همین امر نیز نگرش آن‌ها را به تاریخ و تاریخ‌نگاری صبغه‌ای ایدئولوژیک می‌بخشید. با این تفاسیر، این جریان تاریخی را تماماً می‌توان فرزند انقلاب دانست، یعنی هم ایدئولوژی بازتاب‌یافته در این کتاب‌ها و هم نقش و تأثیر مورخان آن در جریان انقلاب، محتوای این آثار را به جانبی هدایت کرد که به درستی فلسفه انقلاب اسلامی را در خود بازمی‌نمایاند.

کتاب‌نامه

آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۹)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، تهران: مرکز. آقاجری، هاشم، غلامحسین زرگری‌نژاد، و عطاءالله حسینی (۱۳۸۰)، *تأملی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی*، به کوشش حسن حضرتی، تهران: نقش جهان.

پیش و نگرش روحانیون مورخ در ... (زینب احمدوند و رضا پیگدلو) ۲۱

آئینه‌وند، صادق (۱۳۷۷)، علم تاریخ در گسترده تمدن اسلامی، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

الگار، حامد (۱۳۷۱)، نیروهای مذهبی در ایران قرن بیستم، در سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.

اسماعیلی، حبیب‌اله (۱۳۸۹)، جستارهایی در تاریخ و تاریخ‌نگاری، ج ۱ و ۲، تهران: خانه کتاب. اسکندری فاروجی، ابوالفضل و دیگران (۱۳۹۷)، «تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، ضرورت‌ها و بایستگی‌ها»، فصل‌نامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۵، ش ۵۳، ۷۵-۹۶.

باقرزاده ارجمندی، میراحمد (۱۳۸۱)، کتاب‌شناسی توصیفی استاد مرتضی مطهری، تبریز: مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی.

بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۸۳)، «سیر تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی»، فصل‌نامه مطالعات تاریخی، ش ۵. پهلوان، منصور (۱۳۸۲)، «ویژگی‌های آثار استاد مرتضی مطهری»، مجله مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۴، ۱۸۹-۲۰۳.

تبریزی، قاسم (۱۳۸۸)، طیف‌های تاریخ‌نگاری معاصر ایران، در سویی‌های تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی، تهران: خانه کتاب.

توکلی، یعقوب (۱۳۸۷)، سبک‌شناسی تاریخ‌نگاری معاصر ایران، قم: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی. توکلی، یعقوب (۱۳۸۸)، کنکاشی در تاریخ‌نگاری معاصر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی. جان‌زاده، علی (۱۳۷۱)، خاطرات سیاسی رجال ایران از مشروطه تا کودتای ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲، بی‌جا: بی‌نا.

جعفریان، رسول (۱۳۷۶)، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی و سیاسی ایران در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جوادزاده، علیرضا (۱۳۸۹) «هویت ملی و جریان‌های انقلاب اسلامی»، مجله معرفت سیاسی، ش ۴. حضرتی، حسن (۱۳۸۸)، «امام خمینی و دانش تاریخ»، فصل‌نامه متین، ش ۴۳، ۲۵-۴۵.

حسینیان، روح‌الله (۱۳۷۶)، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

حسینیان، روح‌الله (۱۳۸۱)، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. حکیمی، محمود (۱۳۵۳)، غرب بیمار است، قم: دارالتبلیغ اسلامی.

حکیمی، محمود (۱۳۵۷)، خودروشن‌فکرینی، قم: تشیع.

در جست‌وجوی راه و کلام امام (۱۳۷۰)، ج ۱۱، تهران: امیرکبیر.

دوانی، علی (۱۳۶۱)، نهضت روحانیون اسلام، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۲ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- روزنتال، فرانتز (۱۳۶۶)، *تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.
- روحانی، حمید (۱۳۸۳)، *نهضت امام خمینی*، ج ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- سویه‌هایی در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی (۱۳۸۸)، تهران: خانه کتاب.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۱)، *جریان‌شناسی تاریخ‌نگاری‌ها در ایران معاصر*، تهران: بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران.
- شریعتی، علی (۱۳۶۲)، *اسلام‌شناسی*، ج ۲، تهران: قلم.
- شریعتی، علی (بی‌تا)، *مارکس و مارکسیسم*، تهران: شریعت.
- شریف رازی، محمد (۱۳۹۵ ق)، *گنجینه دانشمندان*، ج ۱، تهران: کتاب‌فروشی الاسلامیه.
- صالحی تجریشی، طیب (۱۳۸۹)، *کتاب‌شناسی آیت‌الله عمید زنجانی*، تهران: کیهان فرهنگی.
- صحیفه نور (۱۳۷۸)، دوره ۲۲ جلدی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۹)، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران: طوبی.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۸)، *فلسفه انقلاب اسلامی*، تهران: امیرکبیر.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۸۸)، *درس پروردگار: درباره منظومه هستی، انسان و زندگی*، تهران: آبگین.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۸۰)، *زوایای تاریخ*، مصاحبه با هفت‌نامه یا لئارات، تهران: روزنه.
- کدیور، جمیله (۱۳۷۲)، *رویارویی انقلاب اسلامی و آمریکا*، تهران: اطلاعات.
- لهستانی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۰)، *تاریخ فرهنگ مردم دوان*، شیراز: نوید شیراز.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، *تقدی بر مارکسیسم*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، *نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر*، تهران: صدرا.
- مظفری، آیت (۱۳۸۵)، *جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر*، قم: زمزم هدایت.
- مجموعه کتاب‌شناسی بیست ساله جمهوری اسلامی ایران (بی‌تا)، زیر نظر احمد مسجدجامعی، ۲۰ جلد، تهران: کارخانه نشر.
- مریام، آلن. اچ (۱۳۷۹)، «رهبری فره‌مندانه در آسیای امروزی: مائو، گاندی، [امام] خمینی»، مجله *تقدونظر*، ش ۱ و ۲.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۹۰)، «ملاحظات روش‌شناختی در چپستی و اعتبار تاریخ‌نگاری‌های رسمی»، فصل‌نامه *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، س ۲۱، ش ۷، ۸۷-۱۱۳.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۹۶)، *تاریخ‌نگاری رسمی دوره پهلوی پیرامون رضاشاه*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

پیش و نگرش روحانیون مورخ در ... (زینب احمدوند و رضا بیگدلو) ۲۳

ملایی توانی، علیرضا (۱۴۰۰)، «مفاهیم دوگانه در قلمرو دانش تاریخ‌نگاری ایران، نقد راه رفته و طرح راه جدید»، فصل‌نامه تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، س ۳۱، ش ۲۸، ۲۲۹-۲۵۵.
ماه‌نامه تاریخ و جغرافیا (۱۳۸۷)، ش ۱۲۹.

